

## دل‌نویسه دانش‌آموز شیرازی از حال و هوای کلاس‌های مجازی و ماندن در خانه

انگار ماموریت سخت‌تر شده است، عشق به تدریس دو چندان است، ولی دوری و دل‌تنگی قلب‌ها را می‌فشرد و معلمان و دبیران، در دل این مشکلات در تلاشند تا همچون پزشکان و پرستاران خود را به خط مقدم برسانند و بر سر عهد خود بمانند و بی‌دریغ چراغ علم را به‌دست گرفته و راهنمای دانش‌آموزان خود باشند.

حالا دیگر هیچ مادری از اینکه فرزندش ساعت ۸:۳۰ صبح در کلاس مجازی حاضر شود، بیشتر می‌ترسد و این حضور مجازی در کنار هم‌کلاسی‌ها و معلمانشان شاید زمینه‌ساز باشد تا اندکی از اضطراب و استرس این فضا را برای فرزندش بکاهد.

کلاس‌های مجازی شور و حال مدرسه را ندارد، اما پیوسته با هم‌کلاسی‌ها و در کنار یکدیگر تشنه‌ی آموختن، قطعاً فرصتی است تا فراموش کنیم در شهر و کشور و حتی جهان چه خبر است و آرامشی ناخواسته حاصل شود، همان آرامشی که این روزها همه روانشناسان، جامعه را به آن می‌خوانند و یکی از راه‌های تقویت سیستم ایمنی را دور بودن از فضای استرس و اضطراب می‌دانند.

این ماه امتحان دادن هم با بقیه سال تفاوت داشت؛ دیگر صندلی‌هایمان را با فاصله مرتب نمی‌کردیم و منتظر رسیدن ورقه‌های امتحانی نبودیم، فقط همه دعا می‌کردیم که اینترنت سرعت خوبی داشته باشد تا جواب‌هایمان زود ارسال شود.

قدر لحظه‌های بی‌دغدغه و شاد کنار دوستانمان را حالا می‌فهمیم، واقعا که یاد زمانی که هرچیزی روی زمین می‌افتاد با یک فوت ضدعفونی میشد به‌خیر!

اینطور که معلوم شده دبیران ما حتی دلشان برای درس نخواندن‌هایمان هم تنگ شده، اما خب ما هم حاضریم که باز ساعت ۶ صبح به مدرسه برویم ولی دیگر چنین اوضاعی نداشته باشیم.

کرونا! با آمدن کسب و کار خیلی‌ها را مختل و حتی منحل کردی، حتی من دانش‌آموز خبرنگار هم دیگر از انتشار اخبار درباره تو خسته‌ام.

ولی از تو ممنونم چون در این مدت که سرزده به کشور آمدی به ما یاد دادی که قدر لحظه‌هایمان را بدانیم و به ما فهماندی که دورهمی‌ها و کنار هم بودن‌هایمان چقدر لذت‌بخش بوده است.

دیگر همه ما این چیزها را یاد گرفتیم و فقط منتظر رفتنت هستیم، لطفا برو و بگذار بدون ماسک نفسی راحت بکشیم!

ریحانه قاسمی دانش‌آموز-خبرنگار مدرسه علاءالدین بهشتی ناحیه یک شیراز